

عقلانیت نوین در چین

دکتر حسین قریب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بنام خدا

- در میانه راه (از سال های ۱۹۱۷ تا ۱۹۵۵) کشور چین به سبب مولفه های ذیل دچار چالش شد : عدم قابلیت بازتولید ثروت با اتخاذ رویکرد عدالت معطوف به برابری ، عدم کارایی در اقتصاد صنعتی دولتی ، عدم توانایی پاسخگویی به خواسته های متنوع آحاد جامعه ، شکل گیری فاشیسم استالینی به سبب تمرکز گرایی شدید در قدرت سیاسی ، تخصیص منابع به توسعه نظامی و انجام تعهدات فراوان برون مرزی
- اهمیت مطالعه کشور چین از یکسو به ویژگی های طبیعی این کشور برمی گردد ؛ زیرا چین با بیش از ۱/۳ میلیارد نفر جمعیت ، اولین کشور پرجمعیت دنیاست و دارای وسعت سرزمینی قابل توجهی - بالغ بر ۹/۶ میلیون کیلومتر مربع (سومین کشور پهناور در دنیا) - است.
- عامل و رمز اصلی تحول کشور چین به ((کیفیت عقلانیت)) و نحوه ((سیاست گذاری های)) نخبگان سیاسی باز میگردد.
- نکته قابل تأمل در چین مدرن این است که رهبران نسل سوم ، چهارم و پنجم به موازات نیل به افزایش قدرت اقتصادی و استراتژیک براساس میراث سیاسی دنگ شیائو پنگ ، هراس در دل رقیبان ایجاد نکرده اند. آنها نه تنها دارای ادعاهای بزرگ و تبلیغاتی و همچنین تجدیدنظر طلبانه نسبت به نظم و ساختار جهانی نبوده اند ، بلکه همواره به محدودیت ها و تنگناهای داخلی اشاره می کنند. آنها خواهان دورسازی ذهنیت قدرت های جهانی از احساس ((قدرت توأم با تهدید)) از سوی چین هستند.
- موج اول ، کشورهای ژاپن و آلمان قرار داشتند. آنها پس از خرابی ها و ویرانی های گسترده حاصل از جنگ جهانی دوم ، با برخورداری از نخبگان سیاسی کارآمد ، مسیر سخت رشد و توسعه را با سرعت طی کردند و مایه اعجاب کشورهای جهان شدند. در موج دوم رشد و توسعه ، چهار کشور کره جنوبی ، سنگاپور ، تایوان و هنگ کنگ قرار داشتند. این کشورها در دهه ی ۱۹۷۰ ببرهای آسیا و پیشگامان توسعه و پیشرفت قلمداد شدند. نقش نخبگان سیاسی در تحولات مربوطه بارز و چشمگیر بوده است. موج سوم را کشورهای چین و مالزی از دهه ۱۹۸۰ شروع کردند و سپس کشورهای هند و برزیل از دهه ۱۹۹۰ این روند را ادامه دادند که هر یک از آنها عملکردهای مناسبی نیز داشته اند. در موج چهارم ، کشورهایی همچون مکزیک ، اندونزی و ترکیه از دهه ۲۰۰۰ تلاش های گسترده ای به عمل آورده اند.
- توسعه دلالت بر رشد اقتصادی همراه با تغییر ساختارهای اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی دارد که به بهبود مستمر رفاه آحاد جامعه می انجامد. مهمترین شاخص های مشترک آنها عبارتند از : درآمد ملی سرانه ، وضعیت توزیع درآمد و فقر ، شاخص توسعه انسانی (بهداشت آموزش و درآمد سرانه) ، مشارکت اجتماعی و نحوه حکمرانی
- کانون اصلی مدل های نوسازی از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی ، معطوف به آزادسازی اقتصادی شد. از دیدگاه این مدل ، بهترین سازوکار تخصیص منابع در کشورها سازوکار بازار ، آزادی انتخاب و وجود محیط رقابتی برای کنشگران عقلایی است.
- مبانی اجماع مزبور مشتمل بر کاهش مخارج و کوچک سازی دولت ، آزاد سازی و خصوصی سازی ، حذف مقررات زائد ، تأمین و تثبیت حقوق مالکیت و تجارت آزاد و شفافیت های اقتصادی است. تمامی نظریه ها و مدل های نوسازی بر تولید ثروت تأکید دارند. اما اجماع واشینگتن ، دارای کاستی های مختلفی نیز است که می توان آنها را در موضوعاتی همچون سیاست های بازتوزیع درآمدی و عدالت اجتماعی خلاصه کرد.

- در مدل دولت سالاری و سوسیالیسم به سبک روسی ، به سبب عدم وجود مالکیت خصوصی ، عناصر بازار، قیمت و رقابت نیز معنی و مفهوم پیدا نمی کند. لذا برنامه ریزی عقلانی ، محاسبه هزینه های فرصت و تخصیص بهینه منابع نیز صورت نمی پذیرد.
- در مدل نهادگرایی جدید دولت موافق بازار است و این دو دارای ترکیبی همگرایانه با همدیگر هستند. در این مدل ، نهاد دولت نقش اساسی در تنظیم قواعد دارد و به عنوان ناظر ، هدایت کننده و حامی نظم بازار شناخته می شود. از این رو می توان این مدل را ((دولت موافق بازار)) نیز نامگذاری کرد.
- اجماع پساواشینگتنی و یا پکنی ضمن تأکید بر اصل رقابت و بازار ، به لزوم تنظیمات نهادی برای فعالیت های اقتصادی برای رفع نقص های بازار تأکید می کند. در اجماع پکن تمایل به حفظ و کنترل سرمایه از سوی دولت می باشد.
- به هر حال هدف اصلی در اجماع واشینگتن معطوف به رشد اقتصادی و آزادسازی کامل است ، اما در اجماع پساواشینگتن و یا پکن ، رشد و توسعه اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی و همچنین نقش پذیری دولت است.
- در مدل دولت موافق بازار ، دولت برخلاف نظام دولت سالاری ، در ساز و کارهای بازار دخالتی ندارد ، ولی اهداف بازتوزیع درآمدی را از طریق سیاست های قیمت گذاری یا سیاست هایی که نظام قیمت ها را مخدوش سازد ، پرهیز می کند. زیرا با دخالت دولت در ساز و کار قیمت ها ، علامت های غلط و نادرست به بازار داده می شود و فضای تولید و تحرک اقتصادی زایل و بسیاری از منابع تلف می گردد.
- مدل و الگوی اولیه چین از سده های پیشین تا نیمه قرن بیستم ، براساس و محور ((خانواده)) بوده و متناسب با آن ، کسب و کارهایی همچون کارگاه های کوچک صنایع دستی ، خود اشتغالی ، خودمالکی و همچنین فعالیت های زراعی و دامداری ساماندهی شده بودند.
- دنگ شیاو پنگ پس از به قدرت رسیدن در سال ۱۹۷۸ ، بررسی های واقع بینانه ای را از وضعیت اقتصادی کشور به عمل آورد.
- با استقرار پایه های سه گانه ((دولت)) ، ((طبقات مستقل اجتماعی)) و ((بازار)) مدل و الگوی جدید توسعه با عنوان ((سوسیالیسم بازار)) در چین شکل می گیرد.
- در مبانی الگوی سوسیالیسم بازار که به اجماع پکن معروف است ، دولت و بازار نقش اساسی دارند. بدین معنی که پیوندی تنگناک میان عملیات بازار و نظارت دولت در سطح ملی و بین المللی وجود دارد.
- در سوسیالیسم بازار مالکیت عمومی و دولتی است ، اما بنگاه ها به صورت خصوصی اداره می شوند و تحت قواعد بازار فعالیت می کنند. در چین دولت با استفاده از بازار و به اتکای آن حکومت می کند. در اجماع پکنی ، دولت بجای اعمال حکمرانی بوروکراتیک ، همراه و موافق بازار است.
- بسیاری از اندیشمندان نوگربی ، تغییرات را موقوف به تحول در ابعاد نرم افزاری (هسته) و سخت افزاری (پوسته) می کنند.
- عقلانیت در سیاست گذاری : نوع اول : درک مسئله ، نوع دوم : تعیین اهداف ، نوع سوم : تصمیم گیری و تناسب سازی روش ها با اهداف ، نوع چهارم : اجرا ، نوع پنجم : ارزیابی ، نوع ششم : بازنگری
- لذا کانون اصلی عقلانیت معطوف به دو اصل ذیل است : رعایت اصل تناسب سازی بین روش ها با اهداف ، رعایت اصل هزینه – فایده

- سلسله چین که در طی سال های ۲۰۰ قبل از میلاد تا ۲۰۰ بعد از میلاد (بیش از چهارصد سال) قدرت را در دست داشت ، توانست تمامی ایالات و مناطق مختلف کشور را فتح کند و چین را کاملاً متحد و یکپارچه سازد ، نامه کنونی کشور چین ، به سبب اقدامات این سلسله بوده است.
- ظهور کنفوسیوس یکی از اصلی ترین نمادهای این وضعیت محسوب می شود. ظهور وی یکی از برجسته ترین وقایع چین دوران قدیم و باستان است. وی در سال های ۵۵۱ تا ۴۷۹ قبل از میلاد زندگی می کرده است. کنفوسیوس توانست نقطه عطف مهمی را در تاریخ فرهنگ و تمدن چین بوجود آورد. از مهمترین هدف های مکتب کنفوسیونیسیم ایجاد مبانی اخلاقی مبتنی بر حفظ ارزش ها ، نظم اجتماعی و برخورداری حکمرانان با ویژگی های مناسب است.
- تائوئیسم بر رابطه انسان و طبیعت توجه و تأکید فراوانی داشت. هدف اصلی فلسفه تائو ایجاد یکپارچگی درونی در فرد ، تقویت گرایش های عرفانی و فردگرایی و همچنین نیکخواهی و کمک به دیگران است.
- فلسفه کنفوسیونیسیم و تائوئیسم از اصلی ترین جریانات فکری و فلسفی چین قدیم قلمداد می شوند. پیشینه غنی فرهنگی در چین موجب تأثیرگذاری آن در فرهنگ کشورهای دیگری همچون ژاپن و کره و انطباق پذیری مناسب با تحولات جهانی در دوره معاصر شده است.
- بودیسم دارای پیام رهایی انسان از رنج و درد زندگی است. رهایی از درد و رنج منوط به رعایت گفتار ، پندار ، کردار ، معاش ، کوشش ، تمرکز و جهان بینی درست و صحیح است.
- دوره کلاسیک در چین از تهاجم مغول ها به این کشور در اواخر قرن سیزدهم آغاز می شود. این تهاجم همراه با اشغال سرزمینی کشور چین بود. پس از سلسله یوآن ، سلسله مینگ به قدرت رسید. این سلسله حکومت مقتدرانه و طولانی مدتی در کشور چین داشت. در این دوران دیوار بزرگ چین نیز بازسازی و تکمیل شد.
- سون یات سن سه اصل اساسی انقلاب را در محورهای ذیل بیان داشت : اخراج منچوها از چین ، استقرار حاکمیت مردم با ایجاد جمهوری در چین ، ملی کردن مالکیت در چین
- به موازات تلاش ناسیونالیست ها ، حرکت های کمونیستی نیز از سال ۱۹۲۱ در چین تبلور پیدا کرد. حرکت های کمونیستی در چین تحت تأثیر پیروزی انقلاب کمونیستی در اتحاد شوروی سابق ، وضعیت نامناسب اقتصادی و همچنین شرایط نیمه مستعمرگی کشور چین شکل گرفت.
- چین و ژاپن از قرون قدیم دارای تضادهای تاریخی بودند و با یکدیگر رقابت قهرآمیز داشتند. از این رو در این سال ها که چین خلاً قدرت مرکزی داشت ، ژاپن بهترین شرایط و وضعیت را برای اشغال این کشور به دست آورد.
- استقرار حکومت کمونیستی در سال ۱۹۴۹ در چین ، پس از پیروزی انقلاب کمونیستی در سال ۱۹۱۷ در اتحاد شوروی سابق ، از رخدادهای مهم قرن بیستم محسوب می شود.
- مائو و حزب در مرحله استمرار حکومت ، باید پاسخ مناسبی به چهار مسئله استراتژیک و اساسی ذیل می داد : نحوه تولید و بازتولید ثروت و تأمین رفاه عمومی ، نحوه ارتباط ارزش های ایدئولوژیکی با ارزش های عرفی و ملی ، نحوه تعامل جهانی ، نحوه کسب مجدد منزلت استراتژیک.
- با عضویت اجباری دهقانان در تعاونی های تولید محصولات کشاورزی ، بسیاری از اختیارات و حقوق فردی آنها زایل شد و مالکیت اشتراکی در کشور نهادینه شد. این امر مقاومت ها و ناراضی های گسترده ای را در نزد دهقانان بوجود آورد.
- نیروی انسانی مورد نیاز با فشار و تهدید ، از بخش کشاورزی برای صنعت تأمین می شد. این امر هزینه های فراوانی برای زندگی اجتماعی و اقتصادی دهقانان و روستاییان داشت.

- عدم توجه به مالکیت خصوصی و انگیزه های فردی و ادغام تمامی آنها در مفهوم مالکیت اشتراکی موجب کاهش هرچه بیشتر انگیزه های تولید در نزد کشاورزان و دهقانان شد.
- سیاست های تجدیدنظر طلبانه مائو در عرصه روابط خارجی در طول دهه ۱۹۵۰ زمینه ساز انزوای سیاسی این کشور در دهه ۱۹۶۰ شد. در دهه ۱۹۶۰ نیز کشور چین به سبب اتخاذ سیاست های تجدیدنظر طلبانه در عرصه روابط بین المللی ، دچار انزوی شدید سیاسی گردید.
- اتخاذ این خط مشی دارای آثار استراتژیک ذیل بوده : تشدید فضای تنش زایی در عرصه روابط خارجی ، زمینه سازی انزوای سیاسی کشور در عرصه بین المللی ، فشار بر منابع داخلی برای ایفای تعهدات فراوان بین المللی ، عدم امکان جذب سرمایه گذاری خارجی ، عدم امکان بهره گیری از دانش و فناوری جهانی.
- چرخش و عقب نشینی مائو ، برقراری روابط با آمریکا در سال ۱۹۷۲ بود. مائو در توجیه اقدام مزبور ، به لزوم و ضرورت حفظ امنیت حیاتی کشور اشاره می کرد. بدینگونه که گفته می شد چین در معرض خطر تجاوز اتحاد شوروی سابق قرار دارد و برای مقابله با این تهدید باید با دشمن دیگر - یعنی آمریکا - ارتباط و تعامل داشت.
- اصلاحات دیر هنگام همواره برای حکومت ها و حکمرانان ((بد)) ، و آثار تخریبی به همراه دارد. همچنین باید افزود که هرگاه ابعاد اصلاحات نیز وسیع ، متنوع و گسترده باشد ، برای این قبیل حکومت ها آثار شکننده تری را به همراه خواهد داشت.
- دنگ در یک ارزیابی کلی نسبت به عملکرد دوران مائو ، بر این نکته تأکید می کرد که مائو کشور را به سمت وحدت داخلی سوق داد و آن را تا حدود مرزهای تاریخی (به استثنای تایوان و هنگ کنگ) یکپارچه و متحد ساخت ، اما در زمینه های اجتماعی و اقتصادی دارای کاستی های مختلفی بود.
- اجماع نخبگان ((ابزاری)) و ((فکری)) نقش بسزایی در تغییر و تحول کشور چین داشته و این کشور را به یکی از قطب های مهم قدرت اقتصادی و سیاسی در سطح جهانی مبدل ساخته است.
- ظرفیت های سیاست خارجی و دیپلماسی کشور برای فرصت سازی جهت توسعه اقتصادی آزاد و زمینه برای جذب سرمایه گذاری خارجی مهیا می شود.
- دنگ در بازتعریف سوسیالیسم چینی ، از یکسو بر مالکیت عمومی ، دولتی و خصوصی تأکید می کرد و از سوی دیگر ، به ساز و کارهای بازار ، انگیزه های فردی و تثبیت حقوق مالکیت توجه و تأکید داشت.
- یکی از نمادهای عقلانیت دنگ این بود که وی مدل ها و ساز و کارهای جدید را ابتدا به صورت آزمایشی و تجربی انجام می داد و نسبت به آنها در میان رهبران حزب اجماع سازی می کرد و سپس آنها را تعمیم می داد.
- تعداد افراد به کار گرفته شده در این بنگاه ها از ۲۸ میلیون نفر در سال ۱۹۷۸ به ۱۳۵ میلیون نفر در سال ۱۹۹۶ افزایش یافت. سهم آنها در تولید ناخالص داخلی طی سال های مزبور نیز از ۶ درصد به ۲۶ درصد افزایش یافت.
- تصویب خوداشتغالی موجب شکل گیری کسب و کارهای فردی و حرفه ای شد و نوعی بازگشایی در بازار کار را بوجود آورد.
- ((مناطق آزاد تجاری - اقتصادی)) به عنوان مسیر و پنجره ارتباطی با محیط پیرامون و کشورهای صنعتی مد نظر قرار می گیرد.
- شرکت های خارجی برای سرمایه گذاری و احداث کارخانه در داخل کشور چین دارای محدودیت ها و موانع مختلفی بودند ، اما در مناطق ویژه آنها از تسهیلات مهمی برخوردار شدند و توانستند به ایجاد کسب و کارهای مختلف بپردازند. نتیجه این امر ایجاد تحول در وضعیت کسب و کارهای صنعتی ، افزایش ضریب اشتغال جذب سرمایه گذاری خارجی و افزایش میزان صادرات محصولات صنعتی بود.

- نمی توان از طریق نیروی نظامی با مهاجرت های غیرقانونی برخورد کرد ، بلکه باید با کاهش شکاف اقتصادی بین مناطق مختلف ، چالش مزبور را برطرف کرد.
- مناطق ویژه تجاری - اقتصادی به عنوان پنجره های ارتباطی ، نقش اساسی و بنیانی را در برقراری پیوند و بازگشایی اقتصاد ملی با محیط پیرامون داشته است.
- احداث پارک های فناوری منجر به تغییرات ساختاری در فعالیت های اقتصادی کشور شد. بدین معنی که سرمایه گذاری ها از بخش های سنتی همچون صنایع پوشاک ، به صنایع انفورماتیک و الکترونیک انتقال پیدا کرد.
- او با جابجایی مفاهیم و انتقال اولویت ها ((از)) مبارزه طبقاتی ، مالکیت اشتراک و توجه مفرط به صنایع سنگین ((به)) اهمیت تولید ثروت ملی ، توجه به انگیزه های فردی ، لزوم توجه به صنایع سبک و غذایی و جذب سرمایه گذاری خارجی و فناوری های پیشرفته زمینه ساز برخورداری از منزلت استراتژیک برای کشور شد.
- رویکرد اصلی اصلاحات اقتصادی جیانگ زمین معطوف به مفاهیم اقتصاد بازار و بسط و گسترش مفاهیمی همچون کوچک سازی دولت ، خصوصی سازی ، جذب سرمایه گذاری خارجی و مشارکت با شرکت های بزرگ بین المللی بود.
- جیانگ زمین از آغاز قدرت و با ارزیابی های بدست آمده از وضعیت جامعه ، به چالش های چندگانه زیر اشاره می کند : وجود شکاف بین مردم و حزب ، سوءاستفاده رهبران حزبی از قدرت و ثروت ، گسست منافع نخبگان سیاسی (در سطح حزب و دولت) با منافع مردم ، تقلیل کارآمدی حزب و افزایش بوروکراسی در آن.
- جیانگ برای تشریح هرچه بیشتر تمدن معنوی ، نظریه (سه نمایندگی) را ارائه می کند. مؤلفه های اصلی نظریه سه نمایندگی که در کنگره شانزدهم حزب در سال ۲۰۰۲ ارائه شد ، عبارتند از : پیشتازی حزب در توسعه و ارتقای فرهنگ پویای سوسیالیسم ، کوشش حزب درخصوص ارتقای وضعیت نیروهای مولد ثروت ، حساسیت کامل حزب نسبت به تأمین منابع حیاتی اکثریت جامعه و رسیدگی به وضعیت معیشتی اقشار آسیب پذیر.
- جیانگ در هر یک از مولفه های سه گانه نظریه نمایندگی ، خواهان اصلاحات و تداوم آن در قالب ارزش های ملی و بومی کشور است.
- از نظر جیانگ تثبیت و تداوم روند اصلاحات منوط به تغییر ساختار در حزب است. بدین معنی که او در کنگره شانزدهم حزب کمونیست در سال ۲۰۰۲ ، به تبیین ضرورت عضویت ((سرمایه داران)) در حزب می پردازد و براساس آن ، سرمایه داران و صاحبان صنعت عناصر مترقی قلمداد می شوند و ورود آنها به حزب کمونیست بلامانع اعلام می شود.
- عضویت چین در سازمان تجارت جهانی فرصت اساسی را برای اصلاح دیوان سالاری ، نوسازی و بهبود فضای کسب و کار در کشور فراهم ساخت.
- در برون فرستی فعالیت های اقتصادی ، شرکت های چند ملیتی با بنگاه های اقتصادی کشور میزبان شریک می شود. در دهه ۲۰۰۰ حدود ۴۰۰ شرکت از شرکت های معتبر چندملیتی در چین سرمایه گذاری کردند. حجم صادرات این کشورها در چین ۵۰ درصد کل صادرات کشور را تشکیل می دهد.
- اگر شرکت های آمریکایی خواهان نفوذ در بازار یک میلیارد نفری چین بودند ، چینی ها نیز خواهان جذب سرمایه گذاری بنگاه های معتبر جهانی و بین المللی برای بازار شش میلیارد نفری جهان هستند. چینی ها با نیروی کار ارزانتر و با هزینه کمتر تولید ، با سایر رقبا رقابت می کنند.
- در دوره جیانگ زمین ، میزان تولید ناخالص داخلی از ۱۵۰ و ۹۶۲ میلیارد دلار در سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۹۷ ، به ۱۴۷۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ رسید. درآمد سرانه نیز از ۱۵۶ و ۷۸۱ دلار در سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۹۷ به

- ۱۱۴۸ دلار در سال ۲۰۰۲ افزایش یافت. همچنین میزان فقر از ۸۸ و ۴۲ درصد در سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۹۷ ، به ۳۲ درصد در سال ۲۰۰۲ بهبود پیدا کرد. سرمایه گذاری خارجی در سال ۱۹۸۰ حدود ۰/۴ میلیارد دلار و در سال ۱۹۹۰ حدود ۳/۵ میلیارد دلار بود ، اما در سال ۲۰۰۰ به حدود ۴۲ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد.
- صادرات کالا از ۲۱ و ۵۱ میلیارد دلار در سال های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ ، به ۱۴۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ افزایش پیدا کرد همچنین میزان صادرات خدمات از ۲/۵ و ۵/۸ میلیارد دلار در سال های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به ۱۰۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ افزایش یافت.
- یکی دیگر از آثار کلان ساماندهی مصوبات کنگره شانزدهم کاهش فقر بود. کاهش تعداد افراد فقیر یکی از اهداف انقلاب کمونیستی در چین محسوب می شد.
- در برخی از کشورها به بسته های حمایتی برای کاهش فقر توجه بیشتری می شود. در دوره مائو به بسته های حمایتی برای کاهش فقر ، بیش از رشد اقتصادی توجه می شد.
- مطالعات اقتصادی گویای این است که هرگاه رشد اقتصادی به طور متوسط یک درصد افزایش یابد ، حدود ۱/۸ درصد میزان فقر کاهش می یابد. اما اگر سیستم های حمایتی یک درصد افزایش یابد ، فقر فقط حدود ۰/۸ درصد بهبود پیدا می کند.
- به ازای افزایش رشد و سهم بخش خصوصی در اقتصاد ملی ، سهم بخش دولتی کاهش تدریجی پیدا کرد. سهم بخش دولتی در تولید کالاهای صنعتی در اواخر دهه ۱۹۹۰ حدود پنجاه درصد و در اواخر دهه ۲۰۰۰ به کمتر از سی درصد کاهش یافت.
- یکی از ارکان مدل اصلاحی دنگ شیائو پنگ توجه به ارزش های ناسیونالیستی و فرهنگ سنتی کشور بود.
- یکی از آثار مهم این امر بازتولید ((قدرت نرم)) بود. قدرت نرم کشور از سه منبع اخذ می شود : ((تراوت های فرهنگی)) ، ((ارزش های سیاسی)) و ((توانمندیهای اقتصادی و صادراتی))
- نسبت به راه اندازی صدها موسسه تخصصی کنفوسیوسی برای بسط و گسترش فرهنگ سنتی چین در سراسر کشور و جهان اقدام می شود. این امر بازتاب مناسبی را نیز در کشورهای منطقه به همراه داشت.
- نسبت به اعزام دانشجویان به کشورهای صنعتی اقدام می کند. تحصیل جوانان در غرب جایگزین تحصیل سنتی آنان در اتحاد شوروی سابق می شود.
- در عرصه خارجی نیز بیش از پیش به سیاست های تنش زدایی و گسترش ابعاد تعامل جهانی بپردازد. تعامل فعالانه با ساز و کارهای جهانی شدن کانون اصلی تعامل جهانی بپردازد. تعامل فعالانه با ساز و کارهای جهانی شدن کانون اصلی تعامل جهانی محسوب می شد که موجب تداوم رشد اقتصادی از طریق جذب سرمایه گذاری های خارجی و فناوری های مدرن شد.
- جذب سرمایه گذاری خارجی از یکسو ثبات سیاسی ، امنیت سرمایه ، کیفیت مناسب نیروی کار و مزیت سازی های اقتصادی را در کشور میزبان طلب می کند.
- شرکت های بزرگ و معتبر جهانی و بین المللی با توجه به مزیت ها و قابلیت های چین ، به این کشور بیش از سایر کشورها اولویت قائل شدند.
- براساس داده های آماری ، یک کارگر آمریکایی حدود ۳۴ دلار در ساعت دستمزد می گیرد. دستمزد او نسبت به حقوق مدیران و اعضای هیئت مدیره اش بسیار اندک است ، اما دستمزد او دو برابر دستمزد در کارخانه تولیدی در کره جنوبی ، پنج برابر بیش از لهستان و حدود ۲۰ برابر همان کارگر در چین است.

- حجم اقتصاد این کشور در سال ۱۹۸۰ دارای سهم ۱/۷ درصدی از اقتصاد جهانی بود؛ اما این رقم در سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۹/۳ درصد شده بود.
- حل مسائل جدید را در چهارچوب اهداف کلان ((رویای چینی)) پیگیری می کند. مولفه های رویای چینی عبارتند از: چین قوی، چین متمدن، چین همگون، چین زیبا.
- طی سال های ۱۵-۲۰۱۳، حدود ۱۲۰ هزار مقام چینی در سطوح مختلف به جرم فساد بازداشت و مجازات شده اند.
- کشور چین از معدود کشورهایی است که در طی سه دهه دارای متوسط رشد اقتصادی ده درصدی بوده است. این امر موجب شده است که حجم اقتصاد ملی در این دوره در هر ۷ سال، دو برابر شود.
- تولید ناخالص داخلی انگلستان از سال ۱۷۸۰ به مدت پنجاه سال طول کشید تا دو برابر شود. این امر در آمریکا و ژاپن به ترتیب به مدت چهل و هفت و همچنین سی و چهار سال به طول انجامید. اما در کشور چین تولید ناخالص داخلی از سال ۱۹۷۹ به مدت نه سال طول کشید تا دو برابر شود.
- افزایش چشمگیر نرخ رشد اقتصادی و همچنین میزان تولید ناخالص داخلی موجب افزایش درآمد سرانه و کاهش فقر شده است.
- تعداد افراد فقیر در کشور چین در سال ۱۹۸۰ حدود ۸۷۷ میلیون نفر بود، اما بر اثر اصلاحات اقتصادی، میزان مزبور به حدود ۲۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ کاهش یافته است. (محاسبات بر اساس معیار بانک جهانی با درآمد کمتر از ۱/۹ دلار در روز است.)
- کشور چین دارای نسبت متوسط ۴۵ درصدی تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی است. این امر دلالت بر وضعیت مناسب تعامل فعالانه جهانی کشور چین دارد.
- کشورهایی که سهم بیش از ۳/۵ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را داشته باشند، بنا به تعریف، از منزلت استراتژیک برخوردار هستند. از این رو کشور چین که دارای سهم ۱۴/۸ درصد تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۱۵ است، از اعتبار و منزلت استراتژیک مناسبی برخوردار است.
- میزان سرمایه گذاری در خارج از کشور نیز از شاخص های بااهمیت منزلت استراتژیک است. چین یکی از پنج کشور اصلی جهان در خصوص سرمایه گذاری در خارج از کشور است. این امر یکی از ابعاد مهم دیپلماسی اقتصادی کشور محسوب می شود.
- چین قوی، مدیون اتخاذ راهبرد بلندمدت ((خیزش مسالمت آمیز)) بوده است و در سایه آن نیز ادامه خواهد یافت.
- همچنین باید افزود که قدرت بدون تهدید بر رشد، توسعه و پیشرفت اقتصادی تأکید دارد، اما قدرت همراه با تهدید بر مولفه های نظامی و غیراقتصادی تأکید بیشتری می کند.
- روند افزایش درآمد سرانه چین از ۱۹۴ دلار در سال ۱۹۸۰ به ۷۹۲۴ دلار (به قیمت اسمی) در سال ۲۰۱۵ موجب افزایش هزینه دستمزد شده است.
- شی در دوره دوم، دو راهبرد کلان را مدنظر دارد: انتقال مشاغل از شرق کشور به غرب و شمال غرب کشور، برون فرستی برخی از فعالیت های صنعتی به سایر کشورها همچون ویتنام، تایلند و اندونزی. شی در این دوره برای تحقق دو راهبرد مزبور، سه خط مشی کلان را مدنظر قرار داده است: افزایش مصرف داخلی و تعدیل صادرات محوری، تمرکز بر صنایع دارای ارزش افزوده بالا و فناوری پیشرفته، سرمایه گذاری در خارج از کشور.
- چین دو الگو را نسبت به سرمایه گذاری مستقیم ((در)) خارج از کشور مدنظر داشته است: سرمایه گذاری در کشورهای صنعتی جهت دریافت دانش فنی لازم برای انتقال آن به داخل کشور. سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه برای اشاعه سبک زندگی چینی و نیل به مرجعیت توسعه در آنها.

- روند رشد تصاعدی سرمایه گذاری را در خارج از کشور چین نشان می دهد که به رقم اعجاب انگیز ۱۷۴,۴ میلیارد دلاری رسیده است.
- در بخش مالی ، نسبت به تشکیل ((بانک سرمایه گذاری زیربنایی آسیا)) با سرمایه اولیه ۱۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ اقدام شده است. در حوزه گسترش تجارت منطقه ای و جهانی ، به توسعه مسیرهای جدید حمل و نقلی در قالب ساماندهی جاده بین قاره ای ((ابریشم)) توجه شده است. تنوع بخشی به منابع تأمین انرژی در بخش های انرژی نو و غیرمترعارف (شیل) ، از دیگر تدابیر مهم برای ایفای نقش نوین چین در اقتصاد جهانی است.
- این طرح دارای اهداف کلیدی در جهت شکل دهی به یک زنجیره ارزش منطقه ای - جهانی با محوریت چین است. طرح مزبور کشورهای مختلفی را در برمی گیرد. این کشورها دارای جمعیتی بالغ بر ۴/۴ میلیارد نفر هستند و بیش از ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را تأمین می کنند.
- مجمع جهانی اقتصاد کشورهای جهان را از دریچه وضعیت درآمد سرانه به چهار دسته تقسیم بندی کرده است. کشورهای ضعیف با درآمد سرانه کمتر از ۱۳۲۰ دلار ، کشورهای متوسط با درآمد سرانه بین ۱۳۲۰ تا ۵۹۹۹ دلار ، کشورهای در حال گذر با درآمد سرانه بین ۶۰۰۰ تا ۱۶۹۹۹ دلار ، کشورهای دارای درآمد بالا با درآمد سرانه بیش از ۱۷۰۰۰ دلار.
- مشاهده می شود که شی برای جبران وضعیت مزبور ، به صورت تدریجی ((چرخش استراتژیک)) را مد نظر قرار داده است ؛ یعنی با افزایش درآمد سرانه شهروندان چینی ، به بازار مصرف داخلی بیش از پیش توجه کرده است.
- بسیاری از شرکت های آمریکایی دارای سرمایه گذاری در چین هستند که محصولات خود را در آمریکا به فروش می رسانند.
- کسری تجاری آمریکا با چین در سال ۱۹۸۸ ، ۳/۵ میلیارد دلار و در سال ۱۹۹۹ ، حدود ۶۸/۷ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۰ حدود ۲۷۳ و در سال ۲۰۱۵ حدود ۳۵۱ میلیارد دلار بوده است.
- برای مثال اگر چین بخواهد هواپیمای خود را از بوئینگ به سمت ایرباس تغییر دهد ، آمریکایی ها حدود ۱۷۹ هزار شغل خود را از دست می دهند. یا ممنوع ساختن واردات دانه های سویا باعث تهدید ۱۰ درصد از مشاغل محلی برای ایالت های آمریکا که به تولید گسترده این محصول مشغول هستند ، می شود.
- در این سالها همواره میزان صادرات از میزان واردات بیشتر بوده است. این امر موجب انباشت ذخایر ارزی به میزان ۳۳۳۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ شده است.
- چین در توجیه بالا نگه داشتن نرخ ارز خود معتقد است که کاهش نرخ ارز به صادرات کالا و خدمات فشار وارد می کند و به بیکاری وسیع منجر می شود. این امر زمینه ساز اختلال های گسترده اجتماعی در کشور شده و در نهایت نیز می تواند به تعمیم ناامنی در جهان بیانجامد. همچنین چین در توجیه دیگر برای کنترل نرخ ارز معتقد است که بخش اصلی صادرات کالا و خدمات چین به آمریکا ، متعلق به سرمایه گذاری شرکت ها و سرمایه گذاران آمریکایی است. از این رو ، کنترل نرخ ارز موجب منفعت سرمایه گذاران و مصرف کنندگان آمریکایی نیز می شود.
- هرچند که آمریکا بیشترین ، مدرن ترین و پیشرفته ترین قدرت نظامی جهان را در اختیار دارد و هزینه دفاعی آن ۴۳ درصد کل بودجه نظامی دنیا است ، نگرانی های مختلفی نسبت به هزینه های نظامی کشور چین نیز دارد.
- منافع پیوند چین با اقتصاد جهانی موجب می شود که مناقشه و درگیری برای این کشور فاقد جذابیت باشد.
- درخصوص ارز برتر جهانی و ایفای نقش اصلی برای یوان در تبادلات جهانی راه زیادی باید طی شود ، زیرا هم اکنون فقط ۹ درصد تجارت جهانی با یوان انجام می شود و بیش از ۶۰ درصد آن با دلار صورت می پذیرد.

- آمریکا توانسته است با فناوری های پیشرفته ، انقلاب شیل (تولید نفت و گاز از رسوب های زیرزمینی که به تولید غیرمتعارف انرژی معروف شده است) را وجود آورد. این امر موجب افزایش تولید انرژی ، کاهش واردات انرژی ، بهبود تراز پرداخت ها ، ایجاد فرصت های شغلی جدید و کاهش قیمت انرژی برای صنایع آمریکا شده است.
- دنگ بر ((کاهش فقر)) بیش از ((برابری)) ، به ((تولید ثروت)) بیش از ((توزیع درآمد)) ، به ((تعامل جهانی)) بیش از ((انزوا)) و به ((پیوند ارزش ها)) بیش از ((جدایی ارزش ها)) تأکید می کند.
- در مدل جدید ، کشاورزان باید سقف تعهد محصول به دولت را رعایت می کردند و سپس محصولات مازاد را مالک می شدند و می توانستند مازاد محصول را در بازار به فروش برسانند.